

جنبش ضد اسلامی پگیدا و چالش‌های فراروی آلمان

سیدمهدی میرمحمدصادقی*

چکیده

پگیدا (PEGIDA)^۱ یکی از جنبش‌های اصیل آلمانی است که از سال گذشته تا کنون با برگزاری تظاهرات ضد اسلامی در بسیاری از شهرهای آلمان توانسته دولت این کشور را به چالش بکشد. وقوع تحولات متعدد در سراسر جهان بخصوص تصاویر منتشر شده از اقدامات ضدبشری گروه‌های تروریستی همچون داعش که با نام اسلام صورت می‌گیرد علیه مسلمانان و غیرمسلمانان (بخصوص مسیحیان) و از همه مهمتر واقعه شارلی ابدو و جمعه سیاه (۱۳ نوامبر) در فرانسه و انفجارات بلژیک باعث شد که این جنبش طرفداران بیشتری بیابد و خواسته‌های ضد اسلامی و خارجی خود را با صدای بلندتری فریاد بزند. با توجه به وجود ریشه‌های نژادپرستی و ناسیونالیستی در آلمان و حساسیت‌هایی که دولت آلمان به این مسائل دارد، آنها تلاش داشته‌اند این مسئله را کم اهمیت جلوه دهند اما واقعیت چیز دیگری است و اقدامات دولت غرب‌گرای آلمان و تبلیغات مسموم رسانه‌های غربی و آلمانی طی سال‌های گذشته باعث تحریکاتی جهت به وجود آمدن چنین جنبش‌هایی علیه اسلام و مهاجرین شده است. ضمن اینکه این جنبش به تدریج در حال گسترش به سایر کشورهای اروپایی نیز می‌باشد. ماهیت این تحقیق تحلیلی - توصیفی است و در نظر دارد به ریشه‌یابی این جنبش در آلمان و اروپا بپردازد.

کلید واژگان: پگیدا، راست افراطی، تروریست، آلمان، اروپا، اسلام، نژاد پرستی.

◆ فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ) / شماره ۴۹ / ز

* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

۱. Patriotische Europäer gegen die Islamisierung des Abendlandes

(اروپایی‌های وطن‌پرست علیه اسلامی شدن مغرب زمین)

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ) سال سیزدهم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۸۴ - ۱۵۹

جنبش ضد اسلامی پگیدا و چالش‌های فراروی آلمان

سیدمهدی میرمحمدصادقی*

دیباچه

پگیدا در اکتبر ۲۰۱۴ میلادی در شهر درسدن^۱ مرکز ایالت زاکسن^۲ آلمان (این ایالت قبلاً جزو آلمان شرقی بوده است) توسط لوتس باخمن^۳ که مدیر یک آژانس روابط عمومی (با داشتن سابقه تخلفات متعدد اجتماعی و محکومیت سه سال و نیم زندان) بود، با راه انداختن صفحه‌ای در فیس بوک و فراخوان فیس بوکی تاسیس شد. شعار آنها طبق سنت تظاهرات پیش از وحدت دو آلمان، شعار « ما مردم هستیم » می‌باشد. آنها از زمان تاسیس تاکنون هر هفته روزهای دوشنبه تظاهرات اعتراضی در مرکز شهر درسدن برپا می‌نمایند که با توجه به تحولات مختلفی که در اروپا و دیگر نقاط جهان به‌وقوع پیوسته این تظاهرات به سایر شهرهای آلمان و حتی برخی شهرهای اروپایی نیز کشیده شده است. دولت آلمان در

* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

1. Dresden
2. Sachsen
3. Lutz Bachmann

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ) سال سیزدهم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۸۴ - ۱۵۹

برخورد با این جنبش اقداماتی نسبتاً ایذائی داشته و ظهور چنین جنبشی در جامعه آلمان نیز با واکنش‌هایی مواجه شده است که در ذیل به تفصیل به آن اشاره خواهد شد.

درس‌دن مرکز اصلی فعالیت پگیدا

شهر درس‌دن مرکز ایالت زاکسن، در شرق آلمان با جمعیتی بالغ بر ۵۳۰ هزار نفر است. تعداد مهاجرانی که از کشورهای مسلمان در این شهر زندگی می‌نمایند، حدود ۲۵ هزار نفر می‌شود. جمعیت ایالت زاکسن بالغ بر ۴ میلیون و ۵۰ هزار نفر است و از این میزان دو و نیم درصد خارجی و حدود نیم درصد مسلمان هستند. طبق گزارش اداره حفاظت از قانون اساسی آلمان^۱، در کل این ایالت ۱۰۰ نفر سلفی فعالیت می‌کنند. این ایالت دارای رشد جمعیتی منفی است و در ۳۰ سال گذشته کاهشی یک میلیون نفری داشته است. طبق پیش‌بینی‌ها، این روند کاهشی ادامه خواهد یافت. لذا درس‌دن از جمله مناطقی در آلمان است که تعداد مسلمانان در آنجا اندک است^۲. بنابراین ظهور جنبش پگیدا نمی‌تواند به علت حضور فیزیکی تعداد زیادی از مسلمانان و مهاجران در این شهر باشد.

خواستگاه پگیدا

در دسامبر ۲۰۱۴، پگیدا، مرام‌نامه‌ی ذیل که تنها یک صفحه و شامل ۱۹ ماده بود را منتشر نمود^۳.

۱. حفظ حق پناهندگی سیاسی و پناهندگی اجتماعی
۲. حامی پذیرش بی‌چون و چرای قانون اساسی آلمان
۳. حمایت از اسکان غیر متمرکز پناهندگان
۴. پیشنهاد ایجاد یک مرکز پناهندگان به اتحادیه اروپا
۵. درخواست کاهش تعداد پناهجویان به ازای مددکار اجتماعی

1. Bundesamt für Verfassungsschutz (نام سرویس امنیتی آلمان)

۲. خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳

3. "Pegidisch für Anfänger" (taz. Retrieved 2014)

۶. پیشنهاد پیروی از نمونه هلند و سوئیس در مدیریت پناهندگی
 ۷. درخواست افزایش بودجه پلیس
 ۸. درخواست اجرای تمام قوانین پناهندگی از جمله اخراج در صورت نیاز
 ۹. تایید بر عدم هرگونه بردباری نسبت به پناهندگان و مهاجران جنایی
 ۱۰. پشتیبانی از مهاجرت به سوئیس، کانادا، استرالیا و آفریقای جنوبی
 ۱۱. پشتیبانی از انتخاب جنسیت پس از تولد
 ۱۲. پگیدا مخالفت هر نوع ایدئولوژی سیاسی، روحانی و نیز خشونت‌آمیز است اما مخالف جذب گروه‌های سیاسی معتدل مسلمان نیست
 ۱۳. حمایت از فرهنگ یهودی - مسیحی در آلمان
 ۱۴. مخالفت با اظهارات سیاست‌پسند
 ۱۵. مخالفت با گروه‌ها و دادگاه‌های موازی بر پایه شریعت اسلام و یهود در کشور آلمان
 ۱۶. مخالفت با بنیادگرایی مذهبی
 ۱۷. پشتیبانی از آزادی بیان درباره تمام مذهب‌ها
 ۱۸. مخالفت با مسلح کردن و کمک به هر گروه بنیادگرا
 ۱۹. پشتیبانی از روش همه‌پرسی با مدل سوئیس
- بر اساس این مرام‌نامه، بجز ماده ۱۵، سایر مواد در ظاهر با اسلام مخالفتی ندارد و بیشتر مخالفت با پناهندگان و اعطاء تسهیلات به آنهاست. باخمن مبتکر جنبش پگیدا نیز در گفتگو با نیویورک تایمز اعلام کرد که مخالفتی با جنگ زده‌ها، اسلام و خارجی‌ها ندارد، بلکه مخالفت او تنها در مقابل پناهندگان اقتصادی است که از سیستم خدمات اجتماعی آلمان سوءاستفاده می‌کنند. باخمن در یکی از تجمعات اعتراضی و در بخشی از سخنرانی خود به بازنشستگان فقیری اشاره کرد که در خانه‌های بدون سیستم گرمایش زندگی می‌کنند و چیزی برای خوردن ندارند در حالی که متقاضیان پناهندگی در اقامتگاه‌های لوکس !! بسر می‌برند^۱. ما مخالف ظاهری شدن آلمان هستیم. سال‌های آتی کمتر آلمانی اصیل در این کشور می‌باشد. البته اقدامات و شعارهای آنها در تجمعات، تظاهرات و سخنرانی‌های بعدی نشان داد که آنها بیشتر از هر چیز با اسلام مخالف هستند.

1. "Pegida", (Wikipedia 2014)

استقبال از پگیدا

در اولین فراخوان حدود ۳۵۰ نفر شرکت کردند و در بالاترین استقبال از آن حدود ۲۵ هزار نفر شرکت کردند (بخاطر ماجرای شارلی ابدو) که هدف خود از این تظاهرات را جلب توجه مسئولان مربوطه آلمانی به سیاست‌های غلط مهاجرت و پناهندگی عنوان کردند. این جنبش توانست با عنوان کردن شعارهای جذاب و عوام فریب (پوپولیستی)، افراد بیشتری را جذب نماید و در بسیاری از شهرهای آلمان بخصوص ایالاتی که قبلاً جزو آلمان شرقی بوده همچون شهرهای لایپزیک (لگیدا) و برلین (بگیدا) طرفداران زیادی پیدا کرد. سایر تحولات نیز وارد ماجرا شده و به ازدیاد طرفداران پگیدا کمک نمودند. بوقوع پیوستن تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی بخصوص برخی اقدامات و جنایات گروه‌های تروریستی باصطلاح اسلامی همچون داعش، جبهه النصره و غیره در کشتار مسلمانان و غیرمسلمانان (مسیحیان) در سوریه، عراق، لیبی و انجام عملیات تروریستی در کشورهای بلژیک^۱، استرالیا^۲ و فرانسه^۳

۱. در مه ۲۰۱۳ میلادی فردی به نامه مهدی نموش به موزه یهودیان در بروکسل حمله مسلحانه نمود که بر اثر آن ۴ نفر کشته شدند. تحقیقات انجام شده نشان داد که وی به تازگی از سوریه بازگشته و با گروه تروریستی داعش ارتباط داشته است. همچنین در ۲۲ مارس سال ۲۰۱۶ (۳ فروردین ۱۳۹۵) سه انفجار در بروکسل، پایتخت بلژیک رخ داد که دو انفجار آن در فرودگاه بروکسل و دیگری در ایستگاه مالیک مترو بروکسل بود. در این انفجارها ۳۴ نفر کشته و ۱۳۶ نفر زخمی شدند. این حملات مرگبارترین اقدام تروریستی در خاک بلژیک می‌باشند. داعش مسئولیت این حملات را برعهده گرفت.

۲. حادثه گروگان‌گیری سیدنی در روز ۱۵ دسامبر ۲۰۱۴ در ساعت ۹:۴۴ صبح در ایالت نیو ساوت ولز در استرالیا آغاز شد و در ساعت ۲:۴۴ صبح روز ۱۶ دسامبر با دخالت پلیس و با سه کشته و چهار زخمی پایان گرفت. در این حادثه یک فرد مسلح وارد یک کافه متعلق به شرکت سازنده شکلات لیندت‌اند اشپرونگلی در مرکز سیدنی شد و تعدادی از کارکنان و مشتریان درون کافه را به گروگان گرفت. فرد گروگانگیر کمی بعد به نام شیخ‌هارون شناسایی شد که پناهنده‌ای ایرانی‌الاصل بود. مردی که اقدام به گروگان‌گیری نموده بود، یکی از درخواستهایش این بود که پرچم دولت اسلامی عراق و شام (داعش) در اختیارش قرار گیرد.

۳. در ۷ ژانویه ۲۰۱۵ حمله‌ای مسلحانه و مرگبار به دفتر مجله شارلی ابدو فرانسه رخ داد. دو مرد با نقاب‌های سیاه و کلاشینکف به دفتر مجله در پاریس حمله کرده و به افراد تیراندازی کرده سپس از محل گریخته و ضمن فرار هم به تیراندازی پرداختند. ویدئوهایی نیز از این حمله گرفته و در اینترنت منتشر شد این حمله دست کم ۱۲ کشته و حدود ۱۰ زخمی بر جای گذاشت. به گزارش خبرگزاری فرانسه دو نفر از کشته‌شدگان از ماموران پلیس بوده و چهار نفر از کاریکاتورست‌های مطرح فرانسوی از جمله سردبیر هفته نامه نیز در میان قربانیان بودند. پلیس اعلام کرد مهاجمان «جلسه شورای سردبیری شارلی ابدو را هدف قرار دادند و هنگام خروج فریاد می‌زدند: "الله اکبر". آنها همچنین

و تشویش افکار عمومی جهان بخصوص در کشورهای غربی و ایجاد جو مسموم منفی علیه اسلام و مسلمانان باعث شد که این جنبش نهایت بهره برداری را از شرایط پیش آمده برای جذب هوادار بنماید به همین خاطر ابتدا برخی از مردم آلمان و سپس سایر کشورهای اروپائی از این جنبش استقبال نمودند اما با گذشت زمان این جنبش با کم توجهی افکار عمومی و انشقاق و افول مواجه شد. نفوذ رادیکال‌ها، ناسیونالیست‌ها، افراط گرایان و سایر گروههای ضد خارجی و نژاد پرست به داخل صفوف طرفداران پگیدا و طرح شعارها و خواسته‌های افراط گرایانه باعث نگرانی جدی مقامات آلمانی شد و آنها را مجبور نمود صریح‌تر علیه این گروه موضع‌گیری نمایند و نسبت به حمایت از این گروه ضد اسلامی و ضد خارجی به مردم هشدار دهند. در مقابل نیز برخی از گروههای افراطی اسلامی به مقابله با آنها پرداختند اما عدم استقبال مردم، کلیساها و سایر نخبگان و گروههای اجتماعی و فرهنگی آلمان از آنها باعث بوجود آمدن گروههای بزرگی از مخالفان پگیدا شد به گونه‌ای که به هنگام برگزاری تظاهرات پگیدا، گروههای زیادی که تعدادشان از هواداران پگیدا بیشتر بود نیز در مخالفت با آنها تظاهرات نمودند.

جایگاه سیاسی - اجتماعی پگیدا

جامعه‌شناسان و سیاستمداران در باره این جنبش نظرات متفاوتی دارند. برخی از ناظران، این گروه را جزء طیف پوپولیست‌های راست و حتی راست افراطی و ناسیونالیستی (با استناد به حضور برخی نئونازیها در تظاهرات) می‌دانند و گروهی دیگر آنها را در طیف راست

فریاد می زدند "انتقام پیامبر" را گرفته‌اند. همچنین در ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ (برابر با ۲۲ آبان ۱۳۹۴) در ساعت ۲۱:۱۶ به وقت محلی، یک رشته از حملات هماهنگ‌شده‌ی تروریستی متشکل از تیرباران‌های دسته‌جمعی و بمب‌گذاری‌های انتحاری در مناطق یکم، دهم و یازدهم شهر پاریس پایتخت فرانسه منجر به کشته شدن ۱۳۰ نفر و مصدومیت ۳۶۸ نفر شد. این حملات تروریستی در نزدیکی استاد دو فرانس در شمال پاریس، و ایل دو فرانس به وقوع پیوست. حداقل سه انفجار جداگانه و شش تیراندازی در محدوده پاریس گزارش شد و یک گروگان‌گیری نیز در سالن تئاتر بتکلان انجام شد که بین ۶۰ تا ۱۰۰ نفر گروگان گرفته شدند. طی این حادثه ۱۳۰ نفر که ۸۷ نفر از آنها در تئاتر بتکلان بوده‌اند کشته شدند. بیش از ۳۶۸ نفر نیز بر اثر حملات مجروح شده که وضعیت ۹۹ نفر آنها وخیم اعلام شد. همچنین هفت نفر از مهاجمان نیز کشته شدند. در ۱۴ نوامبر یعنی روز بعد از واقعه، دولت اسلامی عراق و شام (داعش) طی اعلامیه‌ای مسئولیت این حملات تروریستی را بر عهده گرفت. (ویکی پدیا فارسی، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵)

محافظه‌کار قرار می‌دهند. دانیلو استا روستا^۱ از دفتر فرهنگی ایالت زاکسن معتقد است: ما شاهد حضور اقشار طبقه متوسط، صاحبان بنگاه‌های کوچک اقتصادی، اقشار کم‌درآمد و به میزان زیادی هواداران فوتبال در گردهمایی‌های پگیدا هستیم. از سوی دیگر یوهانس کیس^۲ پژوهشگر در دانشگاه لایپزیک مدعی است: پگیدامسائلی را عنوان می‌کند که بسیاری در جامعه آلمان با آن موافقت ولی از بیان آنها هراس دارند. کیس معتقد است: با اینکه سازمان‌دهندگان این جریان و حامیان‌شان، خود را راست افراطی نمی‌دانند اما دیدگاه‌شان دست راستی و به همین دلیل ضد دمکراتیک و نسبت به بعضی از اقلیت‌ها تحقیرآمیز است. آنها نظراتی را عنوان می‌کنند که ریشه در پیش‌داوری‌ها دارند و این حرکت موجی از رفتارهای ضد دمکراتیک را به راه انداخته است. الکساندر هویسلر^۳ جامعه‌شناس نیز بر این عقیده است که این جریان گروهی از شهروندان عصبانی دارای جهت‌گیری راست هستند که باطیفی از فعالان دست راستی تا هولیگان‌ها (اراذل و اوباش) پیوند خورده است. از سوی دیگرهایو فونکه^۴ جامعه‌شناس آلمانی معتقد است: این تظاهرات جهت‌گیری رادیکالیستی، پوپولیستی و ناسیونالیستی دست راستی دارد.

ترمینولوژی راست افراطی

ریشه و مفهوم راست افراطی را باید در فاشیسم تاریخی جستجو کرد. وفاداران فاشیسم اروپایی بعد از پایان جنگ جهانی دوم در اروپای غربی موفق به بازسازی نسبی خود شدند، که از آن‌ها به عنوان گروه‌های نئونازی یاد می‌شد و بعدها تندروهای راستگرا نامیده شدند. دنیل بل^۵ اصطلاح رادیکالیسم راست گرا را در دهه ۱۹۶۰ برای توصیف این گروه‌ها وارد علوم سیاسی کرد ولی این واژه در میانه‌های دهه ۱۹۷۰ جای خود را به افراط‌گرایی دست راستی یا راست افراطی داد که بعنوان نام جمعی این گروه‌ها در علوم سیاسی و علوم اجتماعی پذیرفته شد. از آغاز دهه ۱۹۸۰ اطلاق عبارت "افراط‌گرایی دست راستی" مورد

1. Danilo. O. Rosetta
2. johannes kiess
3. Alexander Hoysler
4. Hajo Funke
5. Daniel Bell

توافق همگان قرار گرفته بود. در ۱۹۹۰ جان میرشیمیر در مقاله‌ای با عنوان «چرا بزودی برای جنگ سرد دلتنگ خواهیم شد؟» نسبت به عواقب فروپاشی شوروی و از میان رفتن ساختار قدرتمند قبلی و سیل مهاجرت‌ها و منازعات قومی در آسیا و شرق اروپا هشدار داد. وی برای توصیف این وضعیت از عبارت ناسیونالیسم افراطی (هایپرناسیونالیسم) استفاده می‌کرد و بیان می‌داشت که این نوع ناسیونالیسم بزرگ‌ترین خطری است که صلح را تهدید می‌کند.^۱

میشل لوی جامعه‌شناس و فیلسوف فرانسوی در مورد راست افراطی اروپائی می‌گوید: " راست افراطی بسیار متنوع است و طیف‌های مختلفی را در بر می‌گیرد؛ از احزاب آشکارا نئونازی نظیر «فجر طلایی» در یونان تا نیروهای بورژوازی که به خوبی در بازی نهادهای سیاسی ادغام شده‌اند، همچون «یو.دی.سی» سوئیس. ملی‌گرایی شوونیستی، بیگانه‌هراسی، نژادپرستی، نفرت از مهاجران به ویژه «غیراروپاییان» و کولی‌ها (یعنی قدیمی‌ترین مردمان این قاره)، اسلام‌هراسی و ضدیت با کمونیسم وجه مشترک همه آنهاست. در بسیاری از موارد، یهودستیزی، هراس از همجنسگرایی، زن‌ستیزی، اقتدارگرایی، تحقیر دموکراسی و اروپا‌هراسی را نیز می‌توان به این فهرست افزود. در مسایل دیگری همچون موضع موافق یا مخالف نسبت به نولیبرالیسم یا سکولاریسم، نظر واحدی در راست افراطی وجود ندارد.^۲

پدیده راستگرایی افراطی دارای پیشینه و ایدئولوژی برجسته‌ای است. اگرچه اجماع کلی در مورد منشاء و مفهوم ایدئولوژی راست افراطگرایی وجود ندارد. راست افراط‌گرایی گاهی ایدئولوژی، زمانی جنبش، بعضاً پدیده و در مواردی مکتب نام گرفته است. حتی واژه راست افراطی از جانب همه متخصصان این حوزه به کار برده نمی‌شود و بهره‌گیری از مفاهیمی مانند راست رادیکال، راست متعصب، راست سختگیر و راست متجاوز نیز همان معنا را به ذهن متبادر می‌سازد. سیاست‌های راست افراط‌گرایانه در بریتانیا دستکم از دهه ۱۹۳۰ و با شکل‌گیری جنبش‌های ضد یهودیت و فاشیست در آلمان ایجاد شده است. در آلمان زمان پیدایش آن را با ظهور هیتلر و سیاست‌های افراطی وی همسان می‌دانند. در ایتالیا با به دست گرفتن قدرت از جانب موسولینی در دهه ۱۹۲۰ این ایدئولوژی فراگیر شد. اما از

۱. (سیف‌الدینی، ۱۳۹۱)

2. (Michael Löwy, 2014)

سال ۱۹۴۵ لفظ راست‌گرایی افراطی در اروپا معرف پدیده‌های بسیار متفاوتی بوده است: عوام‌زدگی‌های بیگانه‌هراس و ضد نظام و احزاب سیاسی ملی عوام زده و گاه بنیادگرایی‌های مذهبی. این امر به ویژه از دهه ۸۰ و ۹۰ بیانگر جریان خاصی از راست‌گرایی بود که مقایسه آن با مکاتب فاشیستی سال‌های دهه ۱۹۳۰ دیگر به جا نبود. چرا که این جریان رسماً دموکراسی پارلمانی و دستیابی به قدرت از طریق صندوق رای را می‌پذیرفت. مردم به زعم آنها، ذاتی جریان یافته بر بستر تاریخ است که یکجا درگذشتگان و زندگان و نسل‌های آینده‌ای را در بر می‌گیرد و با ابن مایه فرهنگی پایدار، دگرگونی‌ناپذیر و همگون به هم پیوند خورده است. همین رویکرد است که به تمایز میان اتباع ملی از تیره و تبار خودی و مهاجران راه می‌برد به ویژه کوچ‌کنندگان خارج از اروپا که حق اقامت‌گزینی و حقوق اقتصادی و اجتماعی آنان را باید محدود ساخت. برای گسترش این جریان در اروپای امروز می‌توان دلایل بسیاری برشمرد اما مهم‌ترین دلایل افزایش اقبال عمومی در اروپا به راست‌گرایی افراطی عبارتند از: ترساندن مردم به خاطر از دست رفتن فرصت‌های بهتر، رشد مهاجرت به اروپا، مشکلات اقتصادی ناشی از بحران سال ۲۰۰۸ ایجادانگیزه برای دفاع از ارزش‌های اروپایی در برابر اقلیت‌های قومی و مذهبی. جریان راست افراطی امروز در اکثر کشورهای اروپایی نماینده دارد. در برخی از این کشورها این جریان توانسته است حتی به پارلمان و دولت نیز راه یابد اما در برخی کشورها فعالیت محدودی دارد یا به شکل زیر زمینی عمل می‌کند. بنابراین، مساله راست افراطی امروز تقریباً سرتاسر اروپا را در بر می‌گیرد. اما ریشه‌های شکل‌گیری ابعاد و اهداف آن در تمام کشورها یکسان نیست. با این حال تقریباً همه این جریانات سه ویژگی نسبتاً مشترک دارند. این سه ویژگی عبارتند از: نخست اینکه بر فرهنگ و هویت ملی خود تاکید می‌کنند (اروپائی‌های وطن پرست) و معتقدند که انسجام و هویت ملی و فرهنگی کشورشان در خطر است. دوم: روند همگرایی اروپایی و ادغام سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای اروپایی را تهدیدی برای هویت و استقلال خود می‌دانند و با آن مخالفت می‌کنند و سوم که توافق نظر بیشتری در بین احزاب و جنبش‌های راست افراطی بر سر آن وجود دارد، مخالفت و مقابله با مهاجران و به ویژه مهاجران مسلمان است.^۱ در مجموع باید گفت، جریان راست افراطی، حرکت جدید و ناشناخته‌ای در اروپا نیست و سالهاست در کنار کمونیسم،

۱. (دیناریان، ۱۳۹۴)

سبزه‌ها، چپ‌ها و... جزو اپوزیسیون اتحادیه اروپا محسوب می‌شوند اما جریان‌های راست افراطی توانسته‌اند بیشتر در افکار عمومی اروپا جلب توجه نموده و هواداران بیشتری برای خود بیابند. بنابراین و با توجه به شعارها، رفتارها و مواضع پگیدا، می‌توان گفت که پدیده پگیدا تأثیری راست‌گرایانه بر گفتمان سیاسی آلمان داشته است. در یک میزگرد رادیویی که در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۴ در آلمان برگزار شد عنوان خود را اینگونه انتخاب نمود: اسلام چقدر برای آلمان قابل تحمل است؟ تظاهرکنندگان این‌گونه بحث‌ها را تأییدی براهمیت خواست‌های خود می‌دانند اما در واقع، عنوان این میزگرد در چنین شرایطی می‌توانست چیز دیگری باشد: «پگیدا چقدر برای آلمان قابل تحمل است؟» ظاهراً ظهور «پگیدا» فضای سیاسی خاصی را به وجود آورده و زمینه مناسبی برای دست‌راستی‌های تندرو فراهم کرده چرا که در هفته‌های اخیر، یک مجموعه مسکونی پناهندگان در اطراف نورنبرگ و چادرهای یک کمپ پناهندگی در هانوفر به آتش کشیده شده‌اند. واکنش سیاستمداران آلمان به اعتراض شهروندان خشمگین مانند همیشه است: ناتوان و بدون برنامه. باید توجه داشت که «پگیدا» اسلام‌هراسی را در قالب مخالفت با مهاجران مسلمان دنبال می‌کند. این‌ها نتایج تحقیقات اجتماعی در آلمان در خصوص این جنبش است. جامعه‌شناسان آلمانی هم معتقدند که هدف پگیدا اسلام‌هراسی و همان چیزی که مردم آلمان (تحت تأثیر رسانه‌ها) به آن اعتقاد دارند اما از بیان آن ترس دارند (اکثریت خاموش).

نکته قابل توجه اینکه شعار «رسانه‌های دروغ» یکی از شعارهای ثابت راهپیمایی‌های پگیدا و حمله به سیاستمداران و احزاب سیاسی آلمان است. آنها معتقدند رسانه‌های تحت نفوذ و تسلط سیاستمداران، واقعیات را به مردم نمی‌گویند به همین خاطر آنها را دروغگو می‌نامند. البته شعار رسانه‌های دروغگو یکی از شعارهای اصلی نازیها به هنگام تسلط بر آلمان بود. براساس نظرسنجی انجام شده توسط تلویزیون دولتی آلمان (ZDF) که در ۲۶ دی ماه ۹۳ منتشر شد، کمتر از یک پنجم آلمانها (۱۷ درصد) از پگیدا حمایت می‌کنند و ۷۴ درصد آن را تقبیح می‌کنند. این نظرسنجی همچنین اعلام داشته فقط طرفداران حزب ضد یورو AFD (جایگزینی برای آلمان) که به تازگی وارد پارلمان شده و درصدی کمی از آراء مردم را دارند از پگیدا (۷۰ درصد) حمایت می‌کنند.^۱

انشقاق و افول پگیدا

بدنبال افزایش تجمعات پگیدا و گسترش آن به سایر شهرها، شعب پگیدا در سایر شهرهای آلمان نیز سرعت تشکیل و اقدام به برگزاری تجمعات اعتراضی نمودند. یکی از شهرهای مهمی که پگیدا در آن مورد استقبال خوب قرار گرفت شهر لایپزیک^۱ (این شهر نیز جزو ایالات آلمان شرقی بود) می‌باشد که در تظاهرات اول بهمن ماه ۱۳۹۳ حدود ۱۵۰۰۰ نفر از طرفداران پگیدای لایپزیک (لگیدا) شرکت کردند که منجر به درگیری با پلیس شد. براساس گزارش رسانه‌های آلمان، بین خود تظاهرات کنندگان نیز انسجام نبوده و ظاهراً بین پگیدای درسدن و لگیدای لایپزیک اختلافاتی پیش آمد. از طرف دیگر بدنبال متهم شدن باخمن رئیس جنبش پگیدا از سوی پلیس به شوراندن افکار عمومی، همچنین عکسی که وی از خود با سیبل هیتلری و اظهاراتی در ضدیت با خارجیان در صفحه فیس بوک خود منتشر نمود، وی تحت فشار قرار گرفته و در ۲۱ ژانویه ۲۰۱۵ از سمت خود کناره‌گیری نمود.^۲ یک هفته بعد کاترین اورتل سخنگوی پگیدا نیز ضمن اعلام استعفای خود، اظهار داشت قصد دارد یک انجمن جدید با نام «دموکراسی بی واسطه برای اروپا» تاسیس نماید. قرار شد آنها در نشست فوق العاده‌ای یک هیات رئیسه جدید انتخاب نمایند به همین خاطر نیز تظاهرات آنها برای هفته بعد لغو شد.^۳ از این تاریخ به بعد طرفداران پگیدا در آلمان کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته و بطور معمول هر هفته کمتر شد. اوج فعالیت این گروه پس از حمله به دفتر هفته نامه شارلی ابدو در پاریس بود که با توجه به افزایش احساسات ضد اسلامی حدود ۲۵ هزار نفر در تظاهرات ۱۲ ژانویه گروه پگیدا در شهر درسدن شرکت کردند. اما پگیدا نتوانست در دیگر شهرهای آلمان تظاهرکنندگان زیادی را به سوی خود جلب کند. در واقع مجموعه‌ای از رسوایی‌ها و مناقشات مربوط به پگیدا موجب کاهش حمایت از این گروه افراطی شد. زیگمار گابریل، رئیس حزب سوسیال دمکرات و معاون صدراعظم آلمان، به فرستنده تلویزیونی ZDF گفت که به عقیده او، جنبش پگیدا به آن اوجی که می‌توانست رسید و دیگر قوس نزولی را طی میکند. گابریل افزود که این جنبش و سازماندهندگان آن

1. Leipzig
2. Süddeutsche Zeitung 2015
3. Frankfurter Allgemeine Zeitung 2015

در حال تکه‌تکه کردن خود هستند و این امر به احتمال زیاد "شهر درسدن را نجات می‌دهد". در شهر درسدن تا کنون بیشترین تعداد تظاهرات گسترده پگیدا برگزار شده است. معاون صدراعظم آلمان افزود که اما نباید گمان کرد که بدین ترتیب همه چیز دیگر درست و مرتب شده است.^۱

بنابراین علیرغم اینکه این جنبش نسبت به زمان تاسیس‌اش توانسته هواداران زیادتری را جذب نماید.

اما با توجه به نهادینه شدن دوری از نفرت و تبعیض در فرهنگ آلمانها، ملاحظاتی همچون ترس از بیان اعتقادات درونی مردم، مخالفت دولتمردان و اغلب احزاب سیاسی و نهادهای مردمی آلمان با نظرات پگیدا، به نظر می‌رسد جامعه آلمان هنوز نمی‌تواند پذیرای چنین جنبش ضداسلامی باشد. این مخالفت‌ها آنجا نمود بیشتری یافت که همزمان با تظاهرات هواداران پگیدا در چند شهر آلمان همچون درسدن، لایپریک، اشتوتگارت، برلین و کلن، دهها هزار نفر از مردم آلمان علیه این جنبش دست به تظاهرات زده و خواستار مدارای بیشتر شدند.

هدف عمده مردم، بیان اعتراضات خود علیه دشمنی با اسلام و بیگانان بوده است. در حین تظاهرات پگیدا، تعداد زیادی از ساختمان‌های شهر کلن از جمله کلیسای جامع این شهر در اعتراض به جنبش پگیدا، چراغ‌های خود را خاموش کردند.^۲ واکنش مردم آلمان و جامعه مسلمانان این کشور به تظاهرات ضداسلامی گروه پگیدا، قابل توجه است. تظاهرات مخالفان پگیدا در درسدن، لایپریک، مونیخ، هانوفر، ساربروخن، دوسلدورف، برلین، هامبورگ، روستوک و دیگر شهرهای آلمان که در ماه‌های گذشته انجام شد، واکنش مردم آلمان به این تبعیض نژادی است. شرکت‌کنندگان در این تظاهرات با در دست داشتن پلاکاردهایی با مضامین ضد نژادپرستی، در مقابل این موج به پا خواستند. بنابر اعلام رسانه‌ها، آلمان نیاز زیادی به نیروی کار خارجی دارد. این نیاز در بخش پزشکی این کشور بیشتر نمود پیدا می‌کند و بیش از ۱۰هزار پرستار برای تامین نیاز بیماران در بیمارستان‌ها احتیاج است. بنابراین باید شرایط برای ماندگاری مهاجرین فراهم باشد. ادامه این جریان‌ها و برخورد میان مسلمانان

1. ZDF 2015

2. Rheinische Post 2015

و اسلام‌ستیزان، امنیت آلمان را به خطر می‌اندازد و باید چاره‌ای برای حل این مشکل پیدا کرد. حضور رئیس‌جمهوری و صدراعظم آلمان در همایشی که توسط مسلمانان این کشور برای همدردی با کشته‌شدگان حادثه پاریس و اعتراض به تظاهرات گروه‌های ضداسلامی برگزار شد، نشان از اهمیت پایان یافتن این موضوع برای سیاست‌مداران آلمان دارد. اما با توجه به سابقه فعالیت گسترده گروه‌های نژادپرست در آلمان و بیشتر شدن طرفداران پگیدا یا آنطور که مردم آلمان آن‌ها را خطاب می‌کنند « نئونازی‌ها، نمی‌توان زمان خاصی را برای پایان یافتن این فعالیت‌ها پیش‌بینی کرد اما آنها هنوز به تجمعات خود ادامه می‌دهند، در صفحات اجتماعی و اینترنتی فراخوان می‌دهند اما حضور مردم و استقبال از آنها کم شده است بگونه‌ای که در تجمعات آخر، بالاترین تعداد شرکت‌کننده حدود ۲ هزار نفر بوده است.

پگیدا در بیرون از آلمان

با توجه به اشتراکات اجتماعی و مذهبی ملل اروپائی، شعارهای پگیدا نه تنها در آلمان که در برخی از دیگر کشورهای اروپائی و غربی نیز مورد توجه قرار گرفته است. طرفداران پگیدا توانسته‌اند در کشورهای سوئیس، نروژ، انگلیس، بلژیک، اتریش، استرالیا، فرانسه، ایتالیا، آمریکا و سوئد تظاهرات نمایند. روزنامه فرانکفورتر آگماینه تسایتونگ در ۱۷ دیمه ۹۳ نوشت: جنبش ضداسلامی پگیدا نه تنها در آلمان که اکنون در سایر کشورهای اروپائی و در سطح بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است.^۱

روزنامه آلمانی زبان بلیک سوئیس با درج مطلبی تحت عنوان «این خانه‌های کثیف را آتش بزیند» نوشت: جنبش موسوم به «اروپایی‌های وطن پرست علیه اسلامیزه شدن غرب» که در آلمان به‌وجود آمده از طریق شبکه‌های اجتماعی به سوئیس هم سرایت کرده است. آنها با ایجاد صفحه‌ای در فیس بوک برای برگزاری تظاهرات فراخوان داده و با حمایت از آتش زدن مساجدی در اتریش و سوئد، فراخوان داده‌اند «این خانه‌های کثیف را آتش بزیند».^۲

یورونیوز در ۱۳ اسفند ۹۳ اعلام داشت: حدود ۲۰۰ تن از هواداران جنبش پگیدا با در دست داشتن پرچم‌های ضد/اسلام در خیابانهای شهر آنتورپ در بلژیک تظاهرات کردند.

1. Frankfurter Allgemeine Zeitung 2015
2. Blick 2013